



Analysis of the Quranic foundations of the right to forgetfulness in the digital age

Seyedali mirlohi¹✉, Mahdieh MahdaviKani²id

1. Corresponding author, PhD student in Jurisprudence and Law, Department of Private Law, Faculty of Jurisprudence and Law, Shahid Mottahari University and Higher School, Tehran, Iran, Academic email: mirlohi@mottahari.ac.ir - 0000-0003-1500-8454
2. Assistant Professor and Faculty Member, Imam Sadeq University, Sisters Campus, Islamic Studies Department, Tehran, Iran Academic email: mahdiemah@isu.ac.ir - 0009-0001-3358-8037

Article Info

Article type: Scientific-Research

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Available online

Keywords:

Right to be forgotten, privacy, digital age, concealment, repentance, forgiveness, Quranic teachings.

ABSTRACT

Objective: To explain and analyze the theoretical foundations derived from the Holy Quran for the modern legal concept of “right to be forgotten”. This research seeks to answer the question of whether Quranic teachings have the necessary capacity to support the right of individuals to control and delete their past personal information in the digital space.

Method(s): The present research is organized with a descriptive-analytical method and with an interdisciplinary approach (jurisprudence, law and Quranic studies). The main sources of the research are the verses of the Holy Quran and authoritative interpretations, and relevant legal documents and articles have been used to analyze the legal aspects of the subject.

Result(s): The findings show that central Quranic concepts such as “seer” (protecting privacy and covering up mistakes), “tawbah” (the opportunity to return and erase the traces of the past), and “afwa” (passing and ignoring the past) form a coherent moral-legal framework. According to this framework, individuals have the right to be protected from the permanent labeling of their past mistakes and to have their human dignity preserved by providing them with the opportunity to start over.

Conclusions: The teachings of the Holy Quran have a high capacity for theoretical support and inferring the necessary principles for legislation in the field of the right to be forgotten in the digital age. These foundations can be used as a strong jurisprudential-moral support for the Iranian legal system in the face of this new challenge.

Cite this article: با توجه به شیونامه نشریه، شیوه استناد به مقاله را تنظیم کنید: نام خانوادگی، نام کوچک (حرف اول نام). (سال نشر). عنوان مقاله. نام نشریه (به صورت ایتالیک)، (شماره دوره)، شماره نشریه، آغاز و پایان صفحات مقاله. شناسه دیجیتال دی‌او‌ای.



تحلیل مبانی قرآنی «حق بر فراموشی» در عصر دیجیتال

سیدعلی میرلوحی^۱ | مهدیه مهدوی کنی^۲

نویسنده^۱

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق، گروه حقوق خصوصی، دانشکده فقه و حقوق، دانشگاه و مدرسه عالی شهید مطهری (ره)، تهران، ایران، ر. ایتامه دانشگاهی (نویسنده مسئول): mirlohi@motahari.ac.ir

نویسنده^۲

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران، گروه معارف اسلامی، تهران، ایران ر. ایتامه دانشگاهی: mahdiemah@isu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

هدف: تبیین و تحلیل مبانی نظری برآمده از قرآن کریم برای مفهوم حقوقی مدرن «حق بر فراموشی». این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آیا آموزه‌های قرآنی ظرفیت لازم برای پشتیبانی از حق افراد مبنی بر کنترل و حذف اطلاعات شخصی گذشته خود در فضای دیجیتال را دارا هستند.

روش(ها): پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی بین‌رشته‌ای (فقه، حقوق و مطالعات قرآنی) سامان یافته است. منابع اصلی پژوهش، آیات قرآن کریم و تفاسیر معتبر بوده و برای تحلیل ابعاد حقوقی موضوع، از اسناد و مقالات حقوقی مرتبط، قواعد فقهی و منابع روایی استفاده شده است.

یافته(ها): یافته‌ها نشان می‌دهد که مفاهیم قرآنی محوری مانند «ستر» (حفظ حریم و پوشاندن خطا)، «توبه» (فرصت بازگشت و محو آثار گذشته)، «عفو» (گذشت و نادیده گرفتن لغزش)، «اصلاح» (بازسازی عملی رفتار) و «صفح الجمیل» (گذشت زیبا و کریمانه)، یک چارچوب منسجم اخلاقی-حقوقی را شکل می‌دهند. بر اساس این چارچوب، افراد حق دارند از برچسب‌زنی دائمی ناشی از خطاهای گذشته خود در امان باشند و کرامت انسانی ایشان با فراهم آوردن فرصت شروع دوباره، حفظ گردد.

نتیجه‌گیری: آموزه‌های قرآن کریم و سنت اسلامی ظرفیت بالایی برای پشتیبانی نظری و استنباط اصول لازم جهت قانون‌گذاری در حوزه «حق بر فراموشی» در عصر دیجیتال را داراست. این مبانی می‌توانند به عنوان یک پشتوانه فقهی-اخلاقی قوی برای نظام حقوقی ایران در مواجهه با این چالش جدید به کار گرفته شوند و الگویی جایگزین، مبتنی بر کرامت انسانی، در برابر رویکردهای غربی ارائه دهند.

کلیدواژه‌ها:

حق بر فراموشی، حریم خصوصی، عصر دیجیتال، ستر، توبه، عفو، اصلاح، صفح، آموزه‌های قرآنی

مقدمه

عصر دیجیتال، ضمن فراهم آوردن دسترسی بی‌سابقه به اطلاعات، چالشی بنیادین را در برابر حریم خصوصی و کرامت انسانی قرار داده است: ماندگاری ابدی داده‌ها. هر خطا، اتهام یا اطلاعات شخصی، پس از ثبت در فضای مجازی، می‌تواند تا ابد باقی بماند و فرد را در معرض قضاوت دائمی قرار دهد. این «حافظه دیجیتال خطاناپذیر» فرصت شروع دوباره و بازگشت به اجتماع را از افراد سلب می‌کند. در چنین بستری، مفهوم حقوقی نوینی تحت عنوان «حق بر فراموشی»^۱ به عنوان راهکاری برای بازگرداندن کنترل افراد بر اطلاعات شخصی گذشته‌شان پدید آمده است. این حق، که در اسناد مهمی چون مقررات عمومی حفاظت از داده اتحادیه اروپا^۲ به رسمیت شناخته شده، به افراد اجازه می‌دهد تا در شرایطی خاص، حذف داده‌های شخصی نامرتبط، قدیمی یا نادرست را از موتورهای جستجو و پایگاه‌های داده درخواست کنند. با وجود اهمیت این مفهوم در نظام‌های حقوقی غرب، مبانی نظری آن در نظام حقوقی ایران، که بر فقه اسلامی استوار است، کمتر مورد کاوش قرار گرفته است. این مقاله در صدد است تا این خلأ را با بازخوانی آموزه‌های قرآنی و روایی مرتفع سازد.

موضوع پژوهش

موضوع این پژوهش، تحلیل و تبیین مبانی نظری «حق بر فراموشی» در پرتو آموزه‌های قرآن کریم است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا مفاهیم و اصول اخلاقی-حقوقی مطرح در قرآن، ظرفیت لازم برای پشتیبانی از حق افراد مبنی بر کنترل و حذف اطلاعات شخصی گذشته خود در فضای دیجیتال را دارا هستند یا خیر. این تحلیل بر مفاهیم «ستر» (پوشاندن خطا)، «توبه» (فرصت بازگشت) و «عفو» (گذشت اجتماعی) و همچنین مفاهیم مکمل «اصلاح» و «صفح الجمیل» متمرکز است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این پژوهش از دو منظر قابل بررسی است. نخست، در بعد نظری، این تحقیق با ایجاد پیوندی میان یک مفهوم حقوقی مدرن و مبانی فقهی-اخلاقی اسلام، به غنی‌سازی ادبیات حقوق اسلامی در مواجهه با چالش‌های عصر دیجیتال کمک می‌کند. دوم، در بعد کاربردی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند به عنوان یک پشتوانه نظری قوی برای نهادهای قانون‌گذار در ایران جهت تدوین قوانین مرتبط با حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی در فضای مجازی به کار گرفته شود و راه را برای پذیرش قضایی این حق هموار سازد.

سؤال پژوهش

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی است: مبانی و اصول برآمده از قرآن کریم برای به رسمیت شناختن «حق بر فراموشی» در عصر دیجیتال کدام‌اند؟

فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی این است که مفاهیم قرآنی و قواعد فقهی چارچوب نظری منسجم و کارآمد برای استنباط و پذیرش «حق بر فراموشی» ارائه می‌دهند. این چارچوب بر اصولی چون کرامت ذاتی انسان، فرصت جبران و صلاح جامعه استوار است و می‌تواند مبنای قانون‌گذاری در این حوزه قرار گیرد.

هدف پژوهش

¹ The Right to be Forgotten

² GDPR

اهداف اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. تحلیل چیستی و ابعاد حقوقی «حق بر فراموشی» در نظام‌های حقوقی معاصر.
۲. کاوش مفهومی در کلیدواژگان قرآنی مرتبط با حفظ آبرو و گذشت از خطا
۳. استنتاج مبانی و اصول قرآنی برای مشروعیت‌بخشی به «حق بر فراموشی»
۴. ارائه یک چارچوب نظری اسلامی برای قانون‌گذاری در حوزه حریم خصوصی دیجیتال.

پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهشی مرتبط با موضوع را می‌توان به دو حوزه اصلی تقسیم کرد. حوزه نخست، شامل پژوهش‌های حقوقی است که به «حق بر فراموشی» در نظام‌های حقوقی غرب و ایران پرداخته‌اند. آثاری مانند مقاله «حق بر فراموش شدن در اتحادیه اروپا و نظام حقوقی ایران» (صادقی، ۱۳۹۵) و کتاب «حق بر فراموشی دیجیتال» (وکیلی، ۱۴۰۰) به تحلیل ابعاد حقوقی و چالش‌های اجرایی این حق پرداخته‌اند، اما فاقد رویکردی مبنایی از منظر فقه و قرآن هستند. حوزه دوم، شامل تحقیقات اسلامی در باب مفاهیم «حریم خصوصی»، «آبرو» و «ستر» است. پژوهشگرانی چون (فضائی، ۱۳۸۹) و (علوی، ۱۳۹۳) به تفصیل به اهمیت حفظ آبرو و مؤمن در اسلام پرداخته‌اند، اما کاربست مستقیم این مفاهیم را بر چالش‌های نوپدید عصر دیجیتال مانند «حق بر فراموشی» بررسی نکرده‌اند. وجه تمایز و نوآوری این مقاله در ایجاد پیوندی مستقیم و نظام‌مند میان این دو حوزه مطالعاتی است. تاکنون پژوهشی که به صورت متمرکز به استخراج مبانی «حق بر فراموشی» از دل مفاهیم قرآنی ستر، توبه و عفو بپردازد، انجام نشده است و این تحقیق در صدد پر کردن این خلأ پژوهشی است.

روش و ساختار پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی بین‌رشته‌ای (فقه، حقوق و مطالعات قرآنی) انجام می‌شود. برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، شامل کتب تفسیری، فقهی، حقوقی و مقالات علمی، استفاده شده است. ساختار مقاله به این شرح است: بخش نخست به تبیین مفهوم و جایگاه حقوقی «حق بر فراموشی» اختصاص دارد. بخش دوم، به تحلیل مفهومی کلیدواژگان قرآنی می‌پردازد. در بخش سوم، با پیوند میان مباحث پیشین، مبانی قرآنی این حق استنتاج می‌شود و در نهایت، مقاله با نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها به پایان می‌رسد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآن کریم، یک چارچوب نظری منسجم و چندبعدی برای به رسمیت شناختن «حق بر فراموشی» ارائه می‌دهد. بر اساس این یافته‌ها، مفهوم «ستر» صرفاً به معنای حفظ حریم خصوصی نیست، بلکه اصلی فعال برای پوشاندن لغزش‌ها و جلوگیری از اشاعه دائمی آنهاست که مستقیماً با هدف «حق بر فراموشی» در مقابله با حافظه ابدی اینترنت همسوست. «توبه» به عنوان یک مکانیسم الهی-حقوقی، حق شروع دوباره و محو آثار گناه را برای فرد تضمین می‌کند و این اصل، ماندگاری ابدی داده‌های منفی را که مانع بازگشت فرد به جامعه می‌شود، به چالش می‌کشد. در نهایت، مفهوم «عفو» و «صفح»، جامعه را به گذشت و نادیده گرفتن خطاهای گذشته تشویق می‌کند تا از برچسب‌زنی دائمی جلوگیری کرده و راه را برای اصلاح و بازسازی روابط اجتماعی هموار سازد. این سه مفهوم در کنار یکدیگر، بر اصولی بنیادین همچون کرامت ذاتی انسان، فرصت جبران و صلاح جامعه تأکید دارند که می‌تواند به عنوان پشتوانه‌ای استوار برای قانون‌گذاری در این حوزه مورد استناد قرار گیرد.

۱. چیستی و ابعاد حقوقی «حق بر فراموشی»

حق بر فراموشی یکی از مفاهیم نوظهور در حوزه حقوق حریم خصوصی است که به طور مستقیم با چالش‌های ناشی از ماندگاری اطلاعات در عصر دیجیتال پیوند خورده است. این حق، که می‌توان آن را «حق کنترل بر گذشته دیجیتال» نیز نامید، به افراد این اختیار را می‌دهد که تحت شرایطی خاص، حذف، محدودسازی یا عدم نمایش اطلاعات شخصی خود را که قدیمی، نامرتب یا غیرضروری هستند، از پایگاه‌های داده، موتورهای جستجو و سایر بسترها درخواست کنند (Rosen, 2012, p. 88). این مفهوم صرفاً به معنای پاک کردن فیزیکی داده نیست، بلکه بیشتر بر جلوگیری از دسترسی آسان و عمومی به اطلاعاتی تمرکز دارد که دیگر وجاهت قانونی یا اجتماعی برای انتشار ندارند.

۱-۱. تعریف و تاریخچه شکل‌گیری «حق بر فراموشی» در نظام‌های حقوقی غرب

«حق بر فراموشی» که از تمایل دیرینه بشر برای کنترل روایت شخصی و فرصت بازگشت به جامعه نشأت می‌گیرد، مفهومی است که ریشه‌های آن بسیار پیش‌تر از عصر دیجیتال وجود داشته است. این حق در واقع تلاشی است برای حفظ استقلال و کرامت انسانی در جهانی که حافظه دیجیتال، برخلاف حافظه انسانی، هرگز چیزی را فراموش نمی‌کند (Dhingra & Tyagi, 2025, p. 1). اگرچه فناوری‌های نوین ضرورت وجود چنین حقی را دوجندان کرده‌اند، اما بنیان‌های فلسفی و تاریخی آن را می‌توان در سنت‌های حقوقی و اجتماعی گذشته جستجو کرد. نخستین تجلی‌های این حق در سنت‌های حقوقی فرانسه و ایتالیا تحت عنوان "*le droit à l'oubli*" و "*diritto all'oblio*" ظاهر شد. این مفاهیم در ابتدا به مجرمان بازپروری شده اجازه می‌داد تا از برچسب دائمی جرائم گذشته خود رها شوند و بتوانند دوباره به جامعه بازگردند. این اصل بر این باور استوار بود که کرامت انسانی نیازمند فرصتی برای تجدید حیات و ادغام مجدد در اجتماع است. به موازات آن، نظام‌های حقوقی در اروپا به تدریج قوانینی برای حفاظت از حریم خصوصی تدوین کردند که بعدها اساس مفهومی «حق بر فراموشی» در عصر دیجیتال را شکل داد (Same source, p. 2). پیش از ظهور فناوری دیجیتال، فراموشی یک فرآیند طبیعی و اجتماعی بود. اطلاعات به دلیل محدودیت‌های فیزیکی، مانند روزنامه‌هایی که در آرشیوها زرد و فرسوده می‌شدند، به تدریج از آگاهی عمومی محو می‌شدند. ویکتور مایر شونبرگر این پدیده را «هزینه‌های تراکشی به خاطر سپردن» می‌نامد که عملاً به فراموشی تدریجی اجتماعی کمک می‌کرد. با این حال، انقلاب دیجیتال این الگو را معکوس کرد و «حافظه دیجیتال کامل» را به وجود آورد که در آن به یاد سپردن به یک اصل و فراموشی به یک استثنا تبدیل شد (Same source, p. 3, 4).

نقطه عطف در تاریخ مدرن این حق، رأی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا (CJEU) در سال ۲۰۱۴ در پرونده معروف به «گوگل اسپانیا» بود (Same source, p. 5). در این پرونده، فردی به نام ماریو کوستخا گونزالس، که سال‌ها پیش از مشکلات مالی رهایی یافته بود، متوجه شد که جستجوی نام او همچنان به یک آگهی حراج ملک مربوط به سال ۱۹۹۸ منتهی می‌شود. این «شیخ دیجیتال» زندگی حرفه‌ای او را تحت تأثیر قرار داده بود. دیوان در رأی تاریخی خود اعلام کرد که موتورهای جستجو به عنوان «کنترل‌کننده داده» مسئول هستند و افراد حق دارند تحت شرایطی خاص، درخواست حذف پیوندهایی را بدهند که به اطلاعات «ناکافی، نامرتب یا بیش از حد» منجر می‌شود. این رأی راه را برای تدوین ماده ۱۷ «مقررات عمومی حفاظت از داده» در اتحادیه اروپا هموار کرد که در سال ۲۰۱۸ لازم‌الاجرا شد. این ماده به صراحت «حق پاک کردن داده» را به رسمیت شناخت و شرایطی را مشخص کرد که تحت آن، افراد می‌توانند از کنترل‌کنندگان داده بخواهند اطلاعات شخصی‌شان را حذف کنند. این ترتیب، «حق بر فراموشی» از یک ایده فلسفی به یک اصل حقوقی قابل اجرا تبدیل شد که نشان‌دهنده تلاش بشر برای بازپس‌گیری کنترل بر هویت دیجیتال خود در عصری است که با حافظه دائمی و نابخشودنی ماشین‌ها تعریف می‌شود (Same source, p. 5, 6).

۱-۲. جایگاه «حق بر فراموشی» در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، «حق بر فراموشی» به صورت یک تأسیس حقوقی مستقل و مدون وجود ندارد. قوانین موجود، بیشتر بر جنبه‌های سنتی حریم خصوصی تمرکز دارند. با این حال، ظرفیت‌های قابل توجهی برای پذیرش این حق از طریق تفسیر اصول کلی حقوقی و فقهی وجود دارد. اصل کرامت انسانی (مذکور در بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی) و قاعده فقهی «حرمت آبروی مؤمن»

می‌توانند مبنایی برای استدلال به نفع این حق باشند. علاوه بر این، قواعد فقهی مشخصی می‌توانند مستقیماً در این زمینه به کار گرفته شوند. قاعده لاضرر، که هرگونه ضرر و زیان نامشروع را نفی می‌کند، یکی از این مبانی است. بقای دائمی اطلاعات منفی و قدیمی که به حیثیت اجتماعی، سلامت روان یا فرصت‌های شغلی فرد لطمه می‌زند، مصداق بارز «ضرر» است که باید بر اساس این قاعده، رفع گردد. همچنین، قاعده تسلیط که سلطه مالکانه افراد بر اموالشان را به رسمیت می‌شناسد، با یک تفسیر موسع می‌تواند بر داده‌های شخصی نیز حاکم باشد. در عصر اطلاعات، داده‌های شخصی بخشی از دارایی‌های معنوی فرد محسوب می‌شوند و او باید حق کنترل، تحدید و حذف آن‌ها را داشته باشد. افزون بر این، اصل البرائة (اصل برائت) ایجاب می‌کند که پس از سپری شدن دوره مجازات یا اثبات بی‌گناهی، فرد به حالت اولیه بازگردد و جامعه او را بری از خطا بداند؛ امری که با ماندگاری سوابق دیجیتال در تضاد است. (شاگری، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۵) ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که بر «محکومیت‌های تبعی» و زوال آنها پس از مدتی معین تأکید دارد، نشان‌دهنده پذیرش نوعی «فراموشی قانونی» در حوزه کیفری است. همچنین، «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» (مصوب ۱۳۸۳) با تأکید بر حفظ حیثیت، آبرو و حریم خصوصی افراد، ظرفیت دیگری را برای حمایت از این حق فراهم می‌آورد. با این وجود، خلأ قانونی مشخص در این زمینه، ضرورت تدوین مقرراتی شفاف را دوچندان می‌کند.

۳-۱. تحلیل تطبیقی: چالش «حق بر فراموشی» در نظام حقوقی آمریکا

برای درک بهتر جایگاه الگوی اسلامی، مقایسه آن با نظام حقوقی آمریکا روشنگر است. در ایالات متحده، بر خلاف اروپا، پذیرش «حق بر فراموشی» با موانع بسیار جدی روبروست. دلیل اصلی این امر، غلبه و تفاسیر موسع از متمم اول قانون اساسی است که بر آزادی بیان^۱ تأکید دارد. دادگاه‌های آمریکایی به طور سنتی، هرگونه محدودیتی بر انتشار اطلاعات حقیقی^۲ را که به صورت قانونی به دست آمده باشد، برنمی‌تابند و آن را نوعی سانسور دولتی غیرقابل قبول تلقی می‌کنند (Kaganoff, 2021, p253). این رویکرد عمیقاً در این باور ریشه دارد که محدود کردن دسترسی به اطلاعات، حتی اگر آن اطلاعات قدیمی یا مضر باشد، با اصول یک جامعه آزاد در تضاد است و می‌تواند به بازنویسی تاریخ منجر شود. فلسفه حقوقی حاکم بر آمریکا، «بازار آزاد ایده‌ها» را ترویج می‌کند. بر اساس این نظریه، بهترین راه برای مقابله با سخن نادرست یا مضر، سخن درست بیشتر است، نه حذف یا سرکوب اطلاعات (Lavelle, 2018, p18). دادگاه‌ها معتقدند که شهروندان باید به تمامی اطلاعات دسترسی داشته باشند تا خود بتوانند حقیقت را تشخیص دهند.

از این منظر، اعطای حق حذف اطلاعات به افراد، حتی با نیت خیرخواهانه، به عنوان یک شیب لغزنده به سمت سانسور و کنترل محتوا دیده می‌شود که می‌تواند آزادی مطبوعات و حق مردم برای دانستن را به خطر اندازد (Kaganoff, 2021, p258). به همین دلیل، تلاش‌ها برای وارد کردن مفهومی شبیه به «حق بر فراموشی در آمریکا»، با این استدلال که با چارچوب‌های متمم اول قانون اساسی ناسازگار است، با مقاومت جدی مواجه شده است (Lavelle, 2018, p20). این تضاد، ارزش رویکرد مبتنی بر «کرامت انسانی» در GDPR اروپا و الگوی اسلامی پیشنهادی را برجسته‌تر می‌کند. در حالی که نظام آمریکایی به آزادی بیان وزن تقریباً مطلقی می‌دهد و آن را در برابر سایر حقوق در اولویت قرار می‌دهد، الگوی اسلامی-اروپایی تلاش می‌کند توازنی دقیق میان این حق و حقوق بنیادین دیگری یعنی «کرامت انسانی»، «حق بر حریم خصوصی» و فرصت بازسازی هویت فردی برقرار کند. نظام اروپایی بر این باور استوار است که نباید افراد برای همیشه با اشتباهات گذشته خود داغ ننگ بخورند و این امر بخشی از کرامت انسانی آن‌هاست (Bennett, 2012, p168).

مشخصه	رویکرد قرآنی	رویکرد اروپایی (GDPR)	رویکرد آمریکایی
-------	--------------	-----------------------	-----------------

¹ Freedom of Speech

² truthful information

مبنای فلسفی و حقوقی	آموزه‌های قرآنی و فقهی؛ مفاهیمی چون ستر، عفو، توبه و کرامت ذاتی انسان.	حقوق بشر؛ حفاظت از داده‌های شخصی به عنوان یک حق بنیادین (ماده ۱۷ GDPR).	متمم اول قانون اساسی؛ حفاظت از آزادی بیان و مطبوعات.
ارزش محوری	کرامت انسانی و فرصت اصلاح و بازگشت به جامعه.	کرامت انسانی و «حق تعیین سرنوشت اطلاعاتی»	آزادی بیان و ترویج «بازار آزاد ایده‌ها»
نحوه توازن حقوق	ایجاد توازن میان حق بر حریم خصوصی و کرامت فردی با منافع عمومی، با اولویت دادن به فرصت جبران برای فرد.	ایجاد توازن میان حق پاک کردن داده‌ها با آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات از طریق استثنائات مشخص (مثلاً منافع عمومی، آرشیو تاریخی و...).	اولویت مطلق برای آزادی بیان؛ هرگونه محدودیت بر انتشار اطلاعات حقیقی، نوعی سانسور تلقی می‌شود.
نتیجه عملی	تمرکز بر انسان‌محوری؛ جلوگیری از انگ دائمی و فراهم کردن امکان بازسازی هویت فردی.	افراد حق دارند درخواست حذف پیوندهای نامرتبط، قدیمی یا ناکافی را از موتورهای جستجو بدهند.	عدم شناسایی «حق بر فراموشی»؛ اطلاعات حقیقی و قانونی، حتی اگر مضر باشند، در دسترس عموم باقی می‌مانند.
چالش اصلی	تدوین چارچوب حقوقی دقیق و نحوه اجرای آن در فضای دیجیتال جهانی.	اجرای فرامرزی (مرزهای دیجیتال) و واگذاری مسئولیت تصمیم‌گیری به شرکت‌های خصوصی.	ناتوانی در محافظت از افراد در برابر آسیب‌های ناشی از ماندگاری دائمی اطلاعات شخصی در اینترنت.

جدول ۱: مقایسه تطبیقی رویکردهای مختلف به «حق بر فراموشی»

تحلیل فوق نشانگر آن است که الگوی برآمده از آموزه‌های قرآنی، می‌تواند راه سومی را پیشنهاد دهد که نه آزادی بیان را مطلق می‌انگارد و نه صرفاً بر داده‌محوری و شفافیت بی‌قید و شرط استوار است. چنین الگویی بر «انسان» و «فرصت رشد و اصلاح او» تمرکز دارد و می‌پذیرد که حافظه دائمی و نابخشدنی اینترنت می‌تواند مانعی برای رستگاری و بازگشت فرد به جامعه باشد. در واقع، این رویکرد به جای تمرکز بر اطلاعات به عنوان یک کالای عمومی، بر فرد و حق او برای کنترل روایت زندگی‌اش تأکید می‌کند و به این ترتیب، با مبنای حقوق بشر که کرامت را در مرکز قرار می‌دهد، همسویی بیشتری می‌یابد.

۲. تحلیل مفهومی کلیدواژگان قرآنی مرتبط

آموزه‌های قرآن کریم، اگرچه به طور مستقیم به پدیده‌های عصر دیجیتال نپرداخته‌اند، اما حاوی اصول و مفاهیمی جهان‌شمول هستند که می‌توانند برای مواجهه با چالش‌های نوپدید به کار گرفته شوند. «حق بر فراموشی»، با تمام ابعاد مدرن خود، در هسته معنایی خود با مفاهیمی چون حفظ آبرو، فرصت جبران و گذشت اجتماعی پیوندی عمیق دارد. در این بخش، سه مفهوم کلیدی ستر، توبه و عفو به عنوان پایه‌های نظری این حق در چارچوب قرآنی تحلیل می‌شوند.

۲-۱. مفهوم «ستر» و دلالت‌های آن بر حفظ آبرو

«ستر» در لغت به معنای پوشاندن و مخفی کردن است و در فرهنگ اسلامی، اصلی اخلاقی-اجتماعی است که بر لزوم پرده‌پوشی بر عیوب و لغزش‌های خود و دیگران تأکید دارد. این مفهوم فراتر از یک توصیه اخلاقی صرف، به یک سازوکار برای حفظ کرامت

انسانی و سلامت روابط اجتماعی تبدیل می‌شود. قرآن کریم به صراحت از تجسس و افشای امور پنهانی دیگران نهی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات/۱۲)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و تجسس نکنید». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، «تجسس» را به معنای پیگیری و تفتیش عیوب پنهانی مردم می‌داند که جامعه را به سمت بی‌اعتمادی و فروپاشی سوق می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۲۵). اصل «ستر» ریشه در یکی از صفات الهی، یعنی «سِتَارُ الْعُيُوبِ» (بسیار پوشاننده عیب‌ها) دارد. خداوند در عین آگاهی کامل بر خطاهای بندگان، بنا را بر پوشاندن آنها می‌گذارد تا فرصت اصلاح از بین نرود. این رویکرد الهی، الگویی برای رفتار اجتماعی مؤمنان است. از این منظر، ماندگاری ابدی اطلاعات منفی در فضای مجازی و دسترسی آسان همگان به آن، نقطه مقابل اصل «ستر» است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۸۹). حافظه دیجیتال، برخلاف سنت الهی و قرآنی، هیچ چیز را نمی‌پوشاند و با بازنشر مداوم اشتباهات گذشته، عملاً فرصت جبران را از فرد سلب می‌کند؛ بنابراین، «حق بر فراموشی» را می‌توان تجلی مدرن اصل «ستر» در عصر دیجیتال دانست. همان‌طور که «ستر» در فضای فیزیکی از افشای اطلاعات زیان‌بار و بی‌ارتباط با زمان حال جلوگیری می‌کند، «حق بر فراموشی» نیز به دنبال محدود کردن دسترسی به داده‌هایی است که با گذشت زمان، اهمیت و ارتباط خود را از دست داده و صرفاً به ابزاری برای برچسب‌زنی و قضاوت دائمی تبدیل شده‌اند. (شیری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۵۲)

ممکن است برخی با استناد به آیاتی که بر لزوم «شهادت دادن» (الشهادة) تأکید دارند (مانند: «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ»؛ بقره/۲۸۲) یا آیاتی که خواستار اجرای برخی «حدود الهی» در ملاء عام هستند (مانند: «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ نور/۲)، استدلال کنند که اسلام همیشه به دنبال پرده‌پوشی و فراموشی نیست. پاسخ به این شبهه در تفکیک دقیق میان حوزه‌ها نهفته است. اولاً، آیاتی که به شهادت دادن امر می‌کنند، مربوط به فرآیند دادرسی عادلانه و احقاق حقوق الناس (حقوق دیگران) یا حقوق جامعه در دادگاه صالح است. در اینجا، کتمان شهادت موجب تضییع حق یک فرد یا اختلال در نظم عمومی می‌شود و با «ستر» که ناظر به لغزش‌های شخصی و حفظ آبروی فردی است، موضوعاً متفاوت است؛ بنابراین، اجرای علنی حدود، مربوط به جرائم بسیار سنگین و اثبات‌شده‌ای است که فلسفه آن، بازدارندگی عمومی و پیشگیری از جرم است. این موارد استثنایی، قاعده کلی «ستر» را نقض نمی‌کنند (بیگی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۳). «حق بر فراموشی» نیز دقیقاً در همین مرز حرکت می‌کند. این حق، به معنای کتمان شهادت در دادگاه یا جلوگیری از اجرای عدالت نیست. بلکه عمدتاً به سه حوزه مربوط می‌شود:

- ۱) لغزش‌های شخصی که جنبه عمومی و حقوقی ندارند.
 - ۲) اتهامات اثبات‌نشده که حیثیت فرد را لکه‌دار کرده‌اند.
 - ۳) جرائمی که فرد دوره مجازات آن را سپری کرده و طبق منطق «زوال محکومیت‌های تبعی»، باید به جامعه بازگردد.
- بنابراین، مرز میان «ستر» و «کتمان شهادت» همان مرز میان حفظ کرامت فردی در لغزش‌های گذشته و ضرورت اجرای عدالت در جرائم مرتبط با حقوق جامعه است. (سجادی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰)

۲-۲. فلسفه «توبه» به مثابه حق شروع دوباره

«توبه» در منطق قرآن، صرفاً یک عذرخواهی از خداوند نیست، بلکه یک فرآیند دگرگون‌کننده است که به محو کامل آثار گناه و بازگشت به حالت پاکی اولیه منجر می‌شود. توبه یک «حق» است که خداوند برای بندگان قائل شده تا راه بازگشت هرگز بسته نماند. اوج این نگاه در آیه ۷۰ سوره فرقان نمایان است: «إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»؛ «مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند؛ پس خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند». این آیه نشان می‌دهد که اثر گناه نه تنها پاک، بلکه به امری مثبت تبدیل می‌شود (قربانخانی و طیب‌حسینی، ۱۴۰۴، ص ۲۵). این فلسفه با ماهیت «حافظه خنان‌پذیر اینترنت» در تضاد کامل قرار دارد. در فضای دیجیتال، گذشته هرگز پاک نمی‌شود و سوابق منفی افراد، حتی

پس از اصلاح و پشیمانی، همچون سایه‌ای دائمی آنها را دنبال می‌کند. این ماندگاری، عملاً حق شروع دوباره را که در قلب مفهوم توبه نهفته است، از بین می‌برد. فردی که در گذشته مرتکب خطا شده، حتی پس از جبران، همچنان با جستجویی ساده در اینترنت، با آن خطا شناخته می‌شود و این امر مانع از بازپذیری کامل او در جامعه می‌گردد. «حق بر فراموشی»، در واقع، یک سازوکار حقوقی برای پیاده‌سازی اجتماعی «اثر محوکنندگی توبه» است. این حق به فردی که مسیر خود را اصلاح کرده، اجازه می‌دهد تا از جامعه بخواهد که او را بر اساس وضعیت کنونی‌اش قضاوت کند، نه بر اساس نسخه بایگانی‌شده و نامرتب گذشته‌اش. این حق، فرصت بازسازی هویت اجتماعی را فراهم می‌آورد و از حبس ابد افراد در زندان دیجیتال گذشته‌شان جلوگیری می‌کند (اسلامی و فیضی، ۱۳۹۵، ص ۳۴).

۲-۳. ابعاد اجتماعی «عفو» و «صفح»؛ گذار از گذشته

قرآن کریم علاوه بر تشویق به اصلاح فردی (توبه)، بر لزوم گذشت و بخشش در سطح اجتماعی نیز تأکید فراوان دارد. واژگان «عفو» (گذشتن از گناه) و «صفح» (روی گرداندن و نادیده گرفتن کامل خطا) به کرات در قرآن به کار رفته‌اند. «صفح» مرتبه‌ای بالاتر از «عفو» است و به معنای پاک کردن کامل اثر خطا از ذهن و قلب است، گویی که هرگز رخ نداده است: «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر/۸۵)؛ «پس گذشت کن، گذشتی زیبا» این تأکید بر گذشت، برای ساختن جامعه‌ای سالم و به دور از کینه‌توزی است. جامعه‌ای که افراد آن دائماً خطاهای یکدیگر را به رخ می‌کشند، جامعه‌ای ایستا و بیمار است. قرآن به دنبال ایجاد جامعه‌ای پویاست که بر امید به اصلاح و نگاه به آینده استوار است. دسترسی دائمی به سوابق منفی افراد در فضای مجازی، مانع تحقق این هدف می‌شود و فرهنگ «عدم گذشت» را ترویج می‌دهد. هر فردی با انبوهی از داده‌های منفی دیگران روبروست و خود نیز نگران است که با داده‌های منفی گذشته‌اش قضاوت شود. «حق بر فراموشی» در این بستر، ابزاری برای تحقق «صفح الجمیل» در مقیاس اجتماعی و دیجیتال است. این حق، جامعه را تشویق می‌کند تا از خطاهای گذشته افراد عبور کرده و به آنها اجازه دهد بدون بار سنگین سوابق دیجیتال، در حیات اجتماعی مشارکت کنند. (عباسی و همکاران، ۱۳۹۶، صص ۸-۱۰) این امر نه تنها به نفع فرد، بلکه به نفع کل جامعه است، زیرا از انباشت نفرت و بی‌اعتمادی جلوگیری کرده و سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کند.

۲-۴. مفهوم «اصلاح»؛ نمود اجتماعی توبه

توبه یک فرآیند درونی و قلبی برای بازگشت به سوی خداوند است، اما اسلام به بعد درونی اکتفا نمی‌کند و بر نمود بیرونی و اجتماعی آن یعنی «اصلاح» تأکید دارد. قرآن کریم در موارد متعددی، توبه را در کنار اصلاح ذکر می‌کند: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّا» (بقره/۱۶۰)؛ «مگر کسانی که توبه کردند، و [اعمال خود را] اصلاح نمودند و [آنچه را کتمان کرده بودند] آشکار ساختند». این تقارن نشان می‌دهد که توبه واقعی، باید به اصلاح عملی در رفتار فرد و جبران خسارت‌های گذشته منجر شود (قراحتی، ۱۳۹۶، ص ۴۳). «حق بر فراموشی» دقیقاً در این نقطه نقشی حیاتی ایفا می‌کند. این حق، شرط لازم برای امکان‌پذیر شدن «اصلاح» در جامعه است. فردی را تصور کنید که از گذشته خود پشیمان شده و تمام تلاش خود را برای جبران و تبدیل شدن به یک شهروند مفید به کار گرفته است. اما سوابق دیجیتال منفی او (یک اتهام قدیمی، یک اشتباه دوران جوانی، یا یک ورشکستگی تجاری) به راحتی در دسترس همگان قرار دارد. این سوابق، مانند یک مانع بزرگ، اجازه نمی‌دهند که جامعه «اصلاح» او را بپذیرد. کارفرمایان از استخدام او سر باز می‌زنند، همسایگان به او اعتماد نمی‌کنند و او در تعاملات اجتماعی خود مدام با گذشته‌اش قضاوت می‌شود. در چنین شرایطی، ماندگاری ابدی داده‌ها، عملاً فرد تائب را از حق «اصلاح» اجتماعی محروم می‌کند و انگیزه برای تغییر را از بین می‌برد. «حق بر فراموشی» با حذف این موانع، به فرد اجازه می‌دهد تا ثمره توبه خود را در عمل ببیند و جامعه نیز بتواند نسخه اصلاح‌شده او را بپذیرد.

۵-۲. «صفح الجمیل»؛ اوج گذشت کریمانه

چنانکه اشاره شد، «صفح» مرتبه‌ای بالاتر از «عفو» است. اما قرآن به این نیز بسنده نکرده و از مفهومی بالاتر به نام «صفح الجمیل» یا «گذشت زیبا» سخن می‌گوید: «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر/۸۵). مفسران در تبیین «گذشت زیبا» گفته‌اند که این نوع گذشت، نه تنها عاری از هرگونه سرزنش و منت‌گذاری است، بلکه به گونه‌ای است که فرد خطاکار احساس حقارت و شرمندگی نکند و کرامت او حفظ شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۱۹۶). این گذشت، فراموشی فعالانه خطاست، به نحوی که گویی هرگز رخ نداده است. این دقیقاً همان فلسفه عمیقی است که در «حق بر فراموشی» نهفته است. هدف این حق صرفاً بخشیده شدن فرد نیست، بلکه حذف برچسب «خطاکار بخشیده‌شده» است. اگر داده‌های منفی فرد برای همیشه باقی بماند، حتی اگر جامعه او را ببخشد، او همواره به عنوان کسی شناخته می‌شود که «زمانی خطاکار بوده و اکنون بخشیده شده است». این برچسب دائمی با کرامت انسانی و مفهوم «صفح جمیل» در تضاد است. «حق بر فراموشی» با حذف داده‌های نامرتبط، به دنبال تحقق همین «گذشت زیبا» در فضای دیجیتال است؛ گذشتی که به فرد اجازه می‌دهد بدون حمل بار سنگین گذشته، با هویتی نو و بدون احساس حقارت به زندگی اجتماعی خود ادامه دهد.

۳. استنتاج مبانی قرآنی «حق بر فراموشی»

از بطن مفاهیم تحلیل‌شده، می‌توان اصول حقوقی-اخلاقی کلی‌تری را استنتاج کرد که زیربنای قرآنی لازم برای مشروعیت‌بخشی به این حق مدرن را فراهم می‌سازند.

۱-۳. اصل کرامت ذاتی انسان

مهم‌ترین اصلی که مفاهیم فوق بر آن استوارند، اصل کرامت ذاتی انسان است. قرآن کریم با عبارت «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰)، جایگاهی والا برای انسان، فارغ از عملکرد او، قائل می‌شود. ستر، ابزاری برای حفظ همین کرامت است. توبه، فرصت بازسازی این کرامت را فراهم می‌کند و عفو، تجلی اجتماعی احترام به این کرامت است. در مقابل، حافظه ابدی اینترنت و برچسب‌زنی دائمی افراد بر اساس داده‌های قدیمی، با این اصل در تضاد است. «حق بر فراموشی» با شکستن این چرخه، به دنبال آن است که از کرامت انسانی در برابر تعرض دائمی داده‌های دیجیتال محافظت کند. (غلامی و موذن زادگان، ۱۳۹۶، ص ۵۵)

۲-۳. اصل فرصت، جبران

منطق قرآن، برخلاف بسیاری از نظام‌های فکری، انسان را موجودی مختار و قادر به تغییر و اصلاح می‌داند. کل فلسفه ارسال رسل و انزال کتب، بر مبنای فراهم آوردن فرصت برای رشد و کمال استوار است. مفاهیم توبه و عفو، به طور مستقیم این اصل فرصت جبران را تضمین می‌کنند. توبه، فرصتی الهی برای بازگشت فردی است و عفو، فرصتی اجتماعی برای پذیرش مجدد فرد اصلاح‌شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۲۰۲). ماندگاری اطلاعات در فضای دیجیتال، این اصل را به طور جدی به خطر می‌اندازد. حتی اگر فردی به طور کامل تغییر کرده و گذشته خود را جبران نموده باشد، سوابق دیجیتال او همچنان به عنوان یک مدرک دائمی علیه او باقی می‌ماند و مانع از آن می‌شود که جامعه این تغییر را بپذیرد. این وضعیت، فرد را در گذشته خود محبوس کرده و انگیزه برای اصلاح را از بین می‌برد. «حق بر فراموشی»، با فراهم کردن امکان حذف یا محدودسازی دسترسی به اطلاعات نامرتبط گذشته، عملاً به اجرایی شدن اصل فرصت جبران در دنیای مدرن کمک می‌کند. این حق، اذعان دارد که افراد حق دارند از سایه دائمی گذشته خود رها شوند تا بتوانند آینده‌ای متفاوت بسازند. (قبولی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۲۵ و ۱۲۶)

۲-۳. اصل صلاح جامعه

هدف نهایی آموزه‌های اجتماعی قرآن، ساختن جامعه‌ای سالم، پویا و مبتنی بر اعتماد و امید است. جامعه‌ای که در آن افراد دائماً در حال مچ‌گیری و یادآوری خطاهای یکدیگر باشند، یک جامعه بیمار و فروپاشیده است. اصل ستر و عفو مستقیماً به تأمین صلاح و سلامت جامعه کمک می‌کنند. ستر، با جلوگیری از اشاعه فحشا و بدبینی، اعتماد عمومی را حفظ می‌کند و عفو، با شکستن چرخه‌های کینه و انتقام، سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد. در عصر دیجیتال، دسترسی نامحدود به سوابق همه افراد، می‌تواند به یک «سلاح‌سازی از اطلاعات»^۱ منجر شود که در آن، از گذشته افراد برای تخریب موقعیت فعلی آن‌ها استفاده می‌شود. این امر، فضای عمومی را مسموم کرده و به جای ترویج اصلاح، فرهنگ افشاگری و انتقام‌جویی را تقویت می‌کند. جامعه‌ای که در آن هیچ‌کس نمی‌تواند گذشته خود را پشت سر بگذارد، جامعه‌ای مملو از ترس و بی‌اعتمادی خواهد بود. (زمانی و عطار، ۱۳۹۵، ص ۹۴) «حق بر فراموشی»، با ایجاد یک مرز مشخص برای یادآوری گذشته، به حفظ صلاح جامعه کمک می‌کند. این حق، با ترویج فرهنگ گذشت و حرکت به جلو، جامعه را به سمت سلامت و پویایی سوق می‌دهد.

۴. چالش‌های اجرایی و راهکارهای موازنه‌ساز

به رسمیت شناختن «حق بر فراموشی» به معنای نادیده گرفتن سایر حقوق و مصالح اجتماعی نیست. یک نظام حقوقی کارآمد باید بتواند میان حقوق متعارض توازن برقرار کند.

۴-۱. تراحم حقوق: موازنه میان حق فراموشی و آزادی اطلاعات با اصل «اهم و مهم»

اجرای «حق بر فراموشی»، علی‌رغم اهمیت آن در حفاظت از کرامت انسانی در عصر دیجیتال، با چالش‌های حقوقی، فنی و عملیاتی پیچیده‌ای روبروست. این چالش‌ها عمدتاً از تضاد میان این حق و سایر حقوق بنیادین و همچنین از ماهیت فرامرزی و پویای اینترنت نشأت می‌گیرند. یکی از اساسی‌ترین چالش‌های حقوقی، ایجاد توازن میان «حق بر فراموشی» و ارزش‌های متعارض دیگر، به‌ویژه آزادی بیان و حق دسترسی عمومی به اطلاعات است. این حق مطلق نیست و باید در برابر منافع عمومی سنجیده شود. برای مثال، درخواست‌های مربوط به حذف اطلاعات دقیق و مرتبط با چهره‌های عمومی، تاریخچه کیفری، یا عملکرد حرفه‌ای افراد معمولاً به دلیل منافع مشروع عمومی رد می‌شوند. پرونده یک جراح هلندی که به دلیل سهل‌انگاری پزشکی توبیخ شده بود، نمونه بارزی از این توازن است. دادگاه عالی هلند در نهایت حکم داد که منافع ایمنی بیماران بر حق حریم خصوصی آن جراح اولویت دارد و نام او نباید از یک وبسایت لیست سیاه حذف شود. (Dhingra & Tyagi, 2025, p. 9) چالش مهم دیگر، «خصوصی‌سازی عدالت» است. با صدور رأی گوگل اسپانیا، مسئولیت تصمیم‌گیری درباره درخواست‌های حذف پیوندها به شرکت‌های خصوصی مانند گوگل و مایکروسافت واگذار شد. این شرکت‌ها اکنون به عنوان داوران خط مقدم برای ایجاد توازن میان حریم خصوصی و آزادی بیان عمل می‌کنند، در حالی که مسئولیت اصلی آن‌ها در برابر سهام‌دارانشان است، نه منافع عمومی. این فرآیندها اغلب فاقد شفافیت لازم هستند و تحقیقات نشان داده که در رسیدگی به موارد مشابه، ناهماهنگی‌های قابل توجهی وجود دارد که باعث می‌شود تصمیمات، دلبخواهی به نظر برسند. (Ausloos, cited in Dhingra & Tyagi, 2025, p. 7) علاوه بر این، فناوری‌های نوظهور مانند بلاک‌چین، که ذاتاً برای تغییرناپذیری طراحی شده‌اند، با اصل حق پاک کردن داده در تضاد هستند. همچنین، سیستم‌های هوش مصنوعی که بر روی مجموعه داده‌های عظیم آموزش دیده‌اند، ممکن است اطلاعات را حتی پس از حذف منابع اصلی، حفظ و بازنشر کنند. بنابراین، یافتن راه‌حل‌های پایدار نیازمند ترکیبی از نوآوری‌های حقوقی، فنی و اجتماعی است تا بتوان به تعادلی کارآمد میان فراموشی و حافظه در جهان دیجیتال دست یافت. جدول زیر به صورت خلاصه، تقابل اصلی میان این حق و سایر حقوق را نشان می‌دهد:

محور	استدلال‌های موافق (در حمایت از حق بر فراموشی)	استدلال‌های مخالف (در نقد حق بر فراموشی)
	فراموشی	

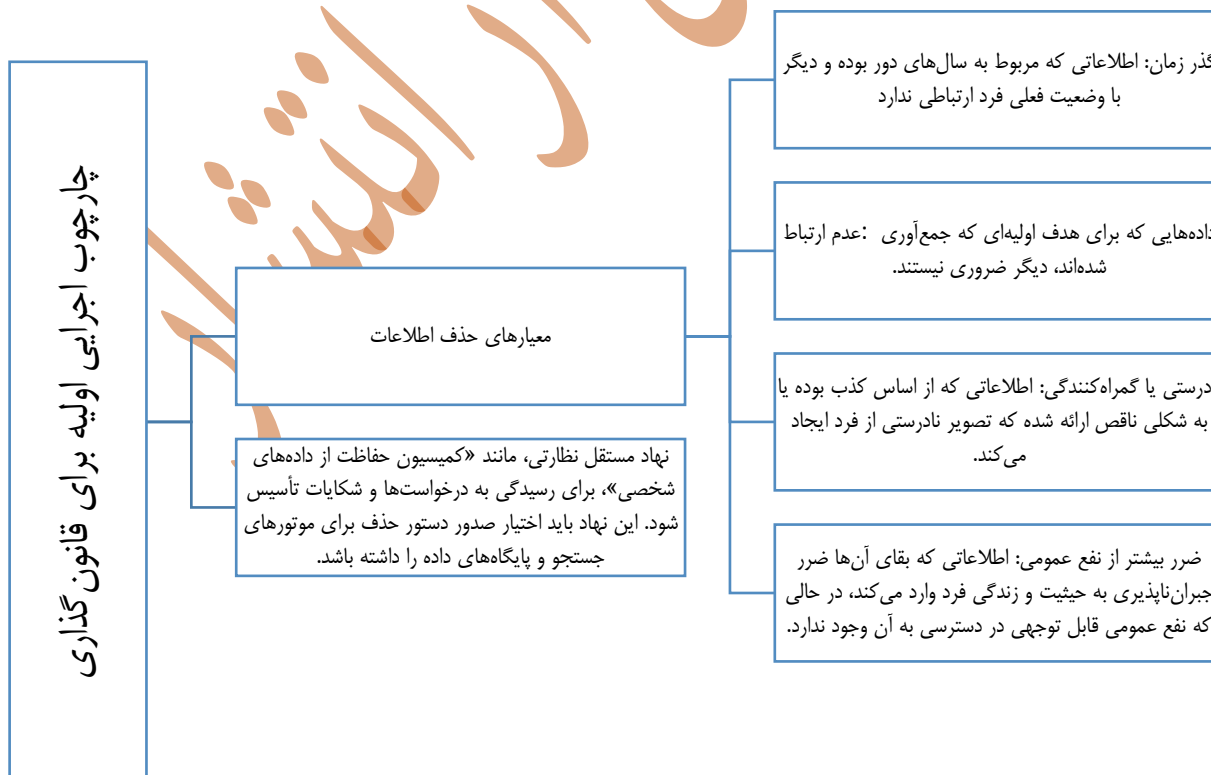
¹ Weaponization of Information

کرامت انسانی	افراد نباید برای همیشه با اشتباهات گذشته خود تعریف شوند و حق شروع دوباره دارند.	تاریخچه و سوابق افراد بخشی از هویت عمومی آنهاست و نباید دستکاری شود.
حریم خصوصی	کنترل بر اطلاعات شخصی، جزء اساسی حق حریم خصوصی در عصر دیجیتال است.	اطلاعاتی که زمانی به صورت قانونی منتشر شده، دیگر در حوزه خصوصی فرد قرار نمی‌گیرد.
آزادی بیان	این حق به سانسور منجر نمی‌شود، بلکه اطلاعات نامرتبط و مضر را از دسترس خارج می‌کند.	حذف اطلاعات، نوعی سانسور است و حق جامعه برای دانستن و دسترسی به اطلاعات را محدود می‌کند.
منافع عمومی	جلوگیری از برچسب‌زنی دائمی به نفع سلامت روان جامعه و بازپذیری افراد است.	منافع عمومی در دسترسی آزاد به تاریخ و بایگانی‌ها بر منافع فردی اولویت دارد.
اجرای فنی	می‌توان با اعمال فیلترهای جغرافیایی و تکنیک‌های دیگر، آن را به شکل مؤثری اجرا کرد.	اجرای کامل این حق در شبکه جهانی اینترنت، غیرممکن و هزینه‌بر است.

جدول ۲: تحلیل تطبیقی استدلال‌های موافق و مخالف «حق بر فراموشی»

۲-۴. ارائه یک چارچوب اجرایی اولیه برای قانون‌گذاری

بنیان فقهی نظام حقوقی کشور ما برای حل این تعارض، امکان بهره‌مندی از مفهوم فقهی «اهم و مهم» یا «تزام حقوق» را ارائه می‌کند. این اصل ایجاب می‌کند که در هنگام تعارض دو حق یا دو مصلحت، باید بررسی کرد که کدام یک از اهمیت بالاتری برخوردار است؛ بنابراین، قانون‌گذار باید با تعیین معیارهای دقیق، مسیر کاربردی شدن این حق و عبور از چالش‌های مذکور را هموار نماید. در این راستا چارچوب اجرایی زیر پیشنهاد می‌شود:



نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین مبانی قرآنی «حق بر فراموشی» شکل گرفت و در پی پاسخ به این پرسش بود که آیا آموزه‌های اسلام ظرفیت لازم برای به رسمیت شناختن این حق مدرن را داراست یا خیر. یافته‌ها با قاطعیت این فرضیه را به اثبات رساند که چارچوب اخلاقی-حقوقی اسلام، نه تنها این ظرفیت را داراست، بلکه می‌تواند الگویی جایگزین و انسان‌محور در برابر رویکردهای موجود در غرب ارائه دهد. تحلیل‌ها نشان داد که مفاهیم قرآنی «ستر»، «توبه»، «عفو»، «اصلاح» و «صفح الجمیل»، در کنار پشتوانه‌های روایی، یک شبکه مفهومی منسجم برای حمایت از این حق ایجاد می‌کنند. این چارچوب بر سه اصل بنیادین استوار است: اصل کرامت ذاتی انسان که نباید به واسطه خطاهای گذشته‌اش خدشه‌دار شود؛ اصل فرصت جبران که لازمه آن رهایی از بند سوابق دیجیتال است؛ و اصل صلاح جامعه که ایجاب می‌کند با جلوگیری از فرهنگ افشاگری، سلامت و اعتماد عمومی حفظ گردد. الگوی برآمده از این مبانی، با دو الگوی غالب غربی تفاوت ماهوی دارد:

(۱) این الگو مانند رویکرد آمریکایی، آزادی بیان را امری مطلق و رهاشده نمی‌داند که به قیمت نابودی حیثیت و کرامت افراد تمام شود.

(۲) از سوی دیگر، این الگو مانند رویکرد اروپایی (GDPR)، صرفاً یک چارچوب فنی و «داده‌محور» نیست، بلکه بر یک فلسفه عمیق اخلاقی یعنی «رشد و تعالی انسان» استوار است. روح حاکم بر شریعت اسلام، به جای ثبت ابدی لغزش‌ها، بر رحمت، فرصت‌بخشی و بازسازی هویت فردی و اجتماعی تأکید دارد.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌شود نهادهای قانون‌گذار در ایران با بهره‌گیری از این مبانی غنی فقهی-اخلاقی و با استفاده از قواعدی چون «لاضرر» و «تسلیط»، فرآیند تدوین قانون جامع «حفاظت از داده‌های شخصی و حق بر فراموشی» را آغاز کنند. این قانون باید با الهام از اصل «اهم و مهم»، توازنی دقیق میان این حق و حقوق دیگری چون آزادی بیان برقرار نماید. تأسیس یک «سازمان ملی حفاظت از داده‌ها» به عنوان نهاد ناظر، گام عملیاتی کلیدی برای تحقق این حق و حفاظت از کرامت شهروندان در عصر دیجیتال خواهد بود.

فهرست منابع

۱. سجادی‌نژاد، سیداحمد. (۱۳۹۱). ادای شهادت در فقه و حقوق (ایران و چند کشور غربی و عربی). آموزه‌های فقه مدنی، ۴(۶)، ۱۳۹-۱۵۸.
۲. بیگی، جمال. (۱۳۹۶). جرم‌نگاری کتمان شهادت و چالش‌های آن در حقوق ایران. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۴(۱۴)، ۱۴۵-۱۷۲.
۳. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴. اسلامی، رضا و فیضی، فریناز. (۱۳۹۵). حق بر فراموش شدن و چالش‌های پیش روی آن. مجله حقوقی دادگستری، ۸۰(۹۴)، ۱۳-۴۷. doi: 10.22106/ijl.2016.21938.
۵. نهج البلاغه. (۱۳۷۹). ترجمه سید جعفر شهیدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵). کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). تسنیم: تفسیر قرآن کریم. قم: نشر اسراء.

۸. حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی). (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). مصباح الفقاهة. قم: انتشارات انصاریان.
۱۰. روحانی، سید محمدصادق. (۱۴۲۹ق). فقه الصادق. قم: مؤسسه دارالکتاب.
۱۱. زمانی، سیدقاسم و عطار، شیما. (۱۳۹۵). حقوق بشر و حقّ بر فراموش شدن در عصر فناوری های نوین اطلاعاتی. مجله حقوقی بین المللی، ۳۳ (شماره ۵۵ (پاییز - زمستان))، ۸۱-۱۰۸. doi: 10.22066/cilamag.2016.235251
۱۲. شاکری، ابوالحسن. (۱۳۹۸). زوال محکومیت های کیفری و دلالت های آن بر حق فراموشی. مجله حقوقی دادگستری، ۸۳ (۱۰۸)، ۱۴۰-۱۱۳. <https://doi.org/10.22106/ijl.2019.98188.2913>
۱۳. صادقی، محسن. (۱۳۹۵). حقّ بر فراموش شدن در اتحادیه اروپا و نظام حقوقی ایران. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۶ (۱)، ۱۰۵-۸۵. <https://doi.org/10.22059/ijlq.2016.57444>
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. عباسی، محمود، غلامی، نبی اله، و سهیل مقدم، سحر. (۱۳۹۶). مبانی فلسفی حقّ بر فراموش شدن از منظر اخلاق زیستی. مجله اخلاق زیستی، ۷ (۲۳)، ۱۵-۷. <https://doi.org/10.22037/bioeth.v7i23.16374>
۱۸. علوی، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۳). حمایت از آبرو در آموزه های دینی و نظام حقوقی ایران. مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۰ (۳۵)، ۱۷۴-۱۱۵. DOR: 20.1001.1.24236402.1393.10.35.7.1151
۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۵). فقه سیاسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۰. غلامی، نبی اله و موذن زادگان، حسن علی. (۱۳۹۶). حقّ بر فراموش شدن؛ از مفهوم شناسی تا چالش های فراروی آن. حقوق اسلامی، ۱۴ (۴۵)، ۳۳-۵۹.
۲۱. فضائلی، مصطفی. (۱۳۸۹). حریم خصوصی در فقه و حقوق. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. قبولی درافشان، سید محمد هادی، بختیاروند، مصطفی و آقامحمدی، اکرم. (۱۳۹۷). حق فراموش شدن در ترازو: نیاز ناشی از فضای مجازی یا تهدیدی برای آزادی بیان؟! پژوهش حقوق عمومی، ۱۹ (۵۸)، ۱۱۳-۱۳۵. doi: 10.22054/qjpl.2018.15394.1361
۲۳. قربانخانی، امید و طیب حسینی، سید محمود. (۱۴۰۴). رهیافت روایی به اقسام مدلول های ظاهری قرآن. آموزه های قرآنی، ۲۲ (۴۱)، ۷-۳۴. doi: 10.30513/qd.2025.6726.2491
۲۴. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). مبانی نظری حریم خصوصی. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۸ (۴)، ۲۴۵-۲۶۰.
۲۵. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۴). قواعد فقه: بخش مدنی. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

۲۶. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۷۹). قواعد فقهیه. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۳۰. نجفی، محمدحسن. (۱۹۸۱م). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. هاشمی، سید محمد. (۱۳۹۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر میزان.
۳۲. وکیلی، هومن. (۱۴۰۰). حق بر فراموشی دیجیتال: مبانی، چالش‌ها و راهکارها. تهران: انتشارات میزان.
۳۳. شبیری زنجانی، سید حسن، شاکری، زهرا و خیاطی، فاطمه. (۱۳۹۷). مجوز بهره‌برداری از آثار فکری در شبکه‌های اجتماعی؛ با نگاهی به رویکرد آمریکا و ایران. مطالعات حقوقی، ۱۰(۲)، ۱۳۵-۱۶۲. doi: 10.22099/jls.2018.27101.2626

29. Ambrose, M. L. (2015). Speaking of forgetting: Analysis of possible non-EU responses to the right to be forgotten and speech exception. *Telecommunications Policy*, 39(2), 200-213.
30. Ausloos, J. (2020). *The right to be forgotten: A comparative study of the EU and US legal frameworks*. Oxford University Press.
31. Court of Justice of the European Union (CJEU). (2014). *Judgment in Case C-131/12, Google Spain SL, Google Inc. v Agencia Española de Protección de Datos (AEPD), Mario Costeja González*. ECLI:EU:C:2014:317.
32. Dhingra, K., & Tyagi, K. (2025). Historical development of the right to be forgotten. *International Journal of Advanced Legal Research*, 5(4), 1-10.
33. European Parliament and Council. (2016). *Regulation (EU) 2016/679 on the protection of natural persons with regard to the processing of personal data and on the free movement of such data (General Data Protection Regulation - GDPR)*. Official Journal of the European Union, L 119/1.
34. Floridi, L. (2016). *The ethics of information*. Oxford University Press.
35. Gasser, U. (2016). Recoding privacy law: Reflections on the future relationship among law, technology, and privacy. *Harvard Law Review Forum*, 130, 207.
36. Lipton, J. D. (2018). The 'right to be forgotten' and the shapeshifting nature of online information. *New Media & Society*, 20(2), 650-666. <https://doi.org/10.1177/1461444816667958>
37. Mayer-Schönberger, V. (2009). *Delete: The virtue of forgetting in the digital age*. Princeton University Press.
38. Natapoff, A. (2016). *Criminal misdemeanor theory and practice*. Oxford University Press.
39. Politou, E., Alepis, E., & Patsakis, C. (2018). Forgetting personal data and revoking consent under the GDPR: Challenges and proposed solutions. *Journal of Cybersecurity*, 4(1), 1-20.
40. Purtova, N. (2018). The law of everything. Broad concept of personal data and future of data protection. *Law, Innovation and Technology*, 10(1), 40-81. <https://doi.org/10.1080/17579961.2018.1452185>
41. Rosen, J. (2012). The right to be forgotten. *Stanford Law Review Online*, 64, 88-92.

42. Voss, W. G. (2019). European union data privacy law reform: General data protection regulation, privacy shield, and the right to be forgotten. *The Business Lawyer*, 74(1), 299-311.
43. Werro, F. (2017). The right to be forgotten: A look behind the scenes. *Law, Technology and Humans*, 1(1), 94-111. <https://doi.org/10.5204/lthj.v1i1.1306>
- 44.

نسخه پیش از انتشار